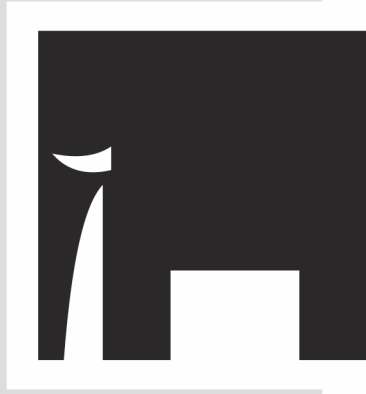


مختصر و مقوی

فیل تاج

چون باغی



فیلمنامه!

 **سکانس اول: دانش آموز دقیقه‌ی ۹۰!**

زمان: ۲۰ اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۹

برای خیلی از آدم‌ها بهار، قشنگ‌ترین فصل سال محسوب می‌شود. حق هم دارند. در این فصل شکوفه‌ها باز می‌شوند، پرنده‌ها سرمستانه می‌خوانند، طبیعت لباس سبز به تن می‌کند و ... ولی بهره‌ی ما معلم‌های کنکور از این فصل چیست؟ هیچی! در یک اتاق مستطیل شکل به نام کلاس، درست مثل یک گلا دیاتور (!) باید شلاق زنان، اربابه‌ی درس‌مان را پیش ببریم، چرا که کنکور درست مثل یک بمب ساعتی، شمارش معکوس خود را شروع کرده و همه نگران این هستیم که آیا درس‌مان به موقع تمام می‌شود یا نه. آن روز، ساعت ۶ بعد از ظهر، در اتاق استراحت دبیران در آموزشگاه فلان (!) نشسته بودم. یادم می‌آید کلاس سنگینی داشتم. خیلی خسته بودم. احساس یک بوکسور را داشتم که با چشم‌های کبود گوشه‌ی رینگ کُز کرده و مربی دارد عرقش را خشک می‌کند تا برای راند بعدی و ادامه‌ی کتک‌خوردن آماده شود! در همین اثنا بود که صدایی به گوش رسید.

- تَق تَق تَق ...

سرم را بلند کردم و کمی روی صندلیم جابه‌جا شدم. سعی کردم چهره‌ی آدم‌های سرحال و بشاش را به خودم بگیرم.^۱

- بفرمایین.

- قی ... ژرژژژ! (این مثلاً صدای در است که در حال باز شدن است!)

- (چهره‌ی معذب دانش‌آموز) آخ ببخشین، مثل این که دارین جای می‌خورین.

- اشکالی نداره، بگو چیکار داری.

- آقا یه سؤال بپرسم راستشو می‌گین؟

- معلومه که نه!! بپرس عزیز من!

- آقا راستش رو بخواین من تا حالا درس‌ها رو خوب با کلاس پیش نرفتم. الان هم احساس می‌کنم خیلی عقب افتادم. تو این فرصت باقی مونده چه جوری می‌تونم خودمو برسونم؟

- ای بابا! ۶ ماه درس‌ها رو پیچوندی حالا تو دقیقه‌ی ۹۰ اومدی برات داروی شفا بخش تجویز کنم!؟

- خودم می‌دونم کم کاری کردم، ولی حالا چیکار می‌شه کرد؟

- هیچی! مجبوری تمام کتاب‌های منو که سر کلاس کار کردیم از اول بخونی.

- (چهره‌ی در هم رفته‌ی دانش‌آموز) آقا این که نمی‌شه، هر کدوم از کتاب‌هاتون کلی مطلب داره. تو این وقت باقی مونده چه جوری اون‌ها رو بخونم؟

- این دیگه مشکل خودته! یادته! یادت هست ۵ - ۶ ماه پیش، همون جلسه‌ی اول کلاس گفتم که برای یادگیری علم، راه شاهانه‌ای وجود نداره! یعنی حتی اگه شاهزاده هم باشی باید تنبلی رو بذاری کنار، زحمت بکشی، عرق بریزی (عرق جبین‌ها، نه عرق نعناع!) مطالب رو مفصل و عمقی و تدریجی بخونی تا یواش یواش یه چیزی بشی.

۱- آن‌هایی که در کار تدریس هستند می‌دانند که هیچ چیز بدتر از این نیست که شاگردها متوجه خستگی معلم بشوند. این جوری آثار خستگی به صورت تصاعدی (!) روی دانش‌آموزان اثر می‌گذارد و آن وقت است که بدبختی معلم دوچندان می‌شود. چون هم باید بر خستگی خودش غلبه کند و هم باید کاری کند دانش‌آموزان سرحال شوند!

- شما درست می‌گین. ولی می‌خواستیم ببینیم چه جزوه‌ی خلاصه یا جزوه‌ی نکته و تستی یا چه چیزی تو این مایه‌ها نداری که من بتونم خودمو برسونم؟
- خیر!

- کتاب خاصی هم نمی‌شناسین که مطالب رو به صورت خلاصه و جمع و جور آورده باشه؟
- چرا نمی‌شناسم! کتاب خلاصه‌ی درس تا دلت بخواد تو بازار هست. ولی نمی‌تونم اون‌ها رو توصیه کنم. آخه اولاً: این جور کتاب‌ها معمولاً اون قدر خلاصه نوشته شدن که مطالب لازم رو حتی در حد معقول (نمی‌گم در حد کامل) پوشش نمی‌دن. ثانیاً: نحوه‌ی نگارش این جور کتاب‌ها، اغلب حالت شخصی و رمز گونه داره و تا خواننده بخواد منظور عبارت‌ها رو بفهمه، کلی از وقت خودش رو از دست می‌ده^۱. اصولاً نت برداری و خلاصه نویسی یه سری تکنیک‌های شخصی و قراردادی داره و به شرطی می‌تونه مفید باشه که توسط خود دانش آموز نوشته شده باشه.

دانش آموز آهی کشید. در حالی که ناامیدی در قیافه‌اش موج می‌زد گفت:

- آقا، ممنون. چایی تون هم سرد شد.

- اشکالی نداره، من Ice tea دوست دارم!

پیش خودم گفتم: «بنده‌ی خدا گناه داشت! چهارش. نشون می‌داد که واقعاً تصمیم داره تو وقت باقی مونده یه حرکتی بکنه! ولی چه فایده، من که هیچ کمکی نتونستم بکنم.»

سکانس دوم: فارغ‌التحصیل کهنه‌کار!



زمان: ۳ آذرماه سال ۱۳۹۱

ساعت چهار و نیم بعدازظهر، در آموزشگاه بهمان^۲ (!) بودم و داشتم آماده می‌شدم بروم سر کلاس که یکپهلو:

- تق تق تق ...

- بفرمایین

- قیه ... ژژژژژ! (اگه گفتین این صدای چیه؟ آفرین! صدای در اتاق استراحت معلم‌هاست که در حال باز شدن است!)

- آقا، خسته نباشین.

- ممنون، بفرمایید.

- ببخشید، من یکی از شاگردهای کلاستون هستم ...

چهره‌اش نشان می‌داد که چند سالی از بقیه بچه‌ها بزرگ‌تر است. یک خورده نزدیک‌تر شد و ادامه داد:

- راستش من ۹ سال پیش دیپلم گرفتم و الان هم فارغ‌التحصیل رشته‌ی پرستاری هستم.

- خُب، چه کمکی از دستم برمیاد؟

- چند ماهی می‌شه که تصمیم گرفتم پزشکی بخونم واسه همین کلاس شما و چند تا از اساتید دیگه رو ثبت‌نام کردم.

- چه خوب، حالا مشکل تون چیه؟

- راستش من درس خوندن رو خیلی دوست دارم. حتماً هم می‌خوام به هدفم، یعنی پزشکی برسم. ولی از شنبه تا

چهارشنبه از صبح زود تا ساعت ۳ بعدازظهر، تو بیمارستان مشغول کارم، متأهل هم هستم و یه بچه هم دارم!

۱- البته این گفته‌ی من، لزوماً در مورد همه‌ی کتاب‌های موجود در بازار صادق نیست‌ها! چون ممکن است کتاب‌های چکیده و خلاصه‌ی خوبی هم در بازار موجود باشند که از چشمان نه‌چندان تیزبین (!) من دور مانده باشد.

۲- حتماً حواس‌تان هست که سکانس اول تو آموزشگاه فلان (!) بود. خُب، حالا نوبتی هم باشد نوبت آموزشگاه بهمان هست دیگه!

طبیعتاً وقت زیادی برای درس خواندن ندارم. خواستم ببینم علاوه بر این کتاب‌هایی که خودتون نوشتین، یه کتاب خلاصه و جمع‌بندی معرفی نمی‌کنین؟

- مگه همین کتاب‌هایی که خودم نوشتم چه شه^۱؟

- اسائه‌ی ادب نباشه! ولی راستش به خاطر وضعیت‌ام نمی‌رسم کتاب‌های مفصل شما رو بخونم.

- چاره‌ای ندارید! اگه واقعاً می‌خواین رشته‌ی پزشکی قبول بشین باید وقت بذارین و همون کتاب‌ها رو بخونین.

- ولی آخه شما هیچ کتابی ندارین که مناسب شخصی در شرایط من باشه؟ اصلاً چرا یه کتابی تو مایه‌های خلاصه و جمع‌بندی تألیف نمی‌کنین؟

- نه خانم! من اصلاً اعتقادی به کتاب‌های خلاصه و جمع‌بندی ندارم. علوم پایه مثل شیمی رو نمی‌شه سر هم بندی کرد. تنها کاری که من می‌تونم براتون بکنم اینه که قسمت‌های نسبتاً مهم‌تر کتاب‌های خودم رو براتون مشخص کنم تا بیش‌تر روی اون‌ها وقت بذارین.

همان موقع نگاهی به ساعت انداختم و ادامه دادم:

- الان هم دیگه باید برم سر کلاس. بعد از کلاس بیاین براتون توضیح بدم چکار کنین.

سکانس سوم: نابغه!



زمان: ۱۲ خرداد ماه سال ۱۳۹۲

روز آخر کلاس بود. یک سالی می‌شد که با آن‌ها کار کرده بودم. کلاس خیلی خوبی بود. خیلی به آن‌ها عادت کرده بودم. می‌دانستم که خیلی دلم برای‌شان تنگ می‌شود. آخرین توصیه‌ها که حال و هوای فلسفی داشت و بیش‌تر شبیه وصیت‌نامه (!) بود را گفتم و از کل بچه‌های کلاس خداحافظی کردم. در دفتر آموزشگاه نشستیم و با یکی از دبیرهای فیزیک خوش و بش کردم. چند لحظه بعد، چند ضربه‌ای به در خورد و در با صدای کش‌داری باز شد.

- قی ... ژژژژژژ! (همان طور که قبلاً اشاره کردم این صدا ناشی از باز شدن در اتاق استراحت دبیران است!)

من و ایضاً همکارم، سرمان را به طرف در چرخانیدیم تا ببینیم چه کسی است.

- آقا، خسته نباشید.

- به به، تویی؟ بیا تو.

رو به همکارم کردم و گفتم:

- ببینم، این سر کلاس تو هم میاد؟

- آره، یه اعجوبه‌ایه! دو سه سر و گردن از بقیه‌ی کلاس بالاتره!

- چه جالب، تو درس شیمی هم این جوریه.

مجدداً رو به دانش‌آموز کردم و پرسیدم:

- خُب، بگو ببینم چی شده؟

- آقا من خیلی نا امیدم! احساس می‌کنم قبول نمی‌شم!

- وای خدا! تو دیگه چرا؟! اگه یکی مثل تو که تو کلاس به مندلیف زمانه (!) معروفه، این جور یه بگه، دیگه وای به حال بقیه!

- آخه احساس می‌کنم همه چی رو قاطی کردم!

۱- البته منظور، کتاب فیل شیمی نیست‌ها! آن موقع هنوز این کتاب متولد نشده بود!

- نگران نباش. تو به یه بیماری مبتلا شدی که بهش می‌گن آنفولانزای کنکوری! تو این نوع بیماری که در کشور عزیزمون ایران، در ماه خرداد شدیداً شیوع پیدا می‌کنه، بیمار احساس می‌کنه درس‌ها رو قاطی کرده. اما اخیراً تحقیقات پزشکان نشون داده که معمولاً این احساس بیمار، بی‌اساس بوده و در جلسه‌ی کنکور، مطالب مثل یک ارتش لجستیک و منظم، رژه‌کنان از ذهن بیمار(!) یا همون داوطلب رد می‌شن!

دانش‌آموز در حالی که یک جورایی داشت جلوی خنده‌اش را می‌گرفت پرسید:

- مثلاً در مورد همین درس شیمی. با این که وضعیت خوبی تو درس شیمی دارم ولی احساس می‌کنم یه جمع‌بندی کلی نیاز دارم.

- خُب، مگه کسی جلوتو گرفته؟ جمع‌بندی کن دیگه!

- آخه در طول سال، من خلاصه‌برداری نکردم. الان هم اگه بخوام کل کتاب‌های شما رو بخونم خیلی وقت می‌گیره. در مورد تست‌ها هم، چون تست‌های کتاب شما خیلی زیاده نمی‌تونم همش رو بزnm. الان من به یه کتابی نیاز دارم که مطالب رو به صورت خلاصه‌وار برام دوره کنه و مهم‌ترین تست‌ها رو هم معرفی کنه.

طبق معمول، به خاطر گاردی که نسبت به کتاب‌های خلاصه و جمع‌بندی داشتیم شروع به تشریح معایب و ایرادهای کتاب‌های خلاصه و جمع‌بندی کردم. یاد می‌آید چشم‌های آن دانش‌آموز حاکی از این بود که استدلال‌های من قانعش نکرده، اما چون پسر مأخوذ به حیایی بود با حرکت دادن سر خود به سمت شمال و جنوب (یعنی بالا و پایین!) سعی می‌کرد نشان دهد حرف‌های من را پذیرفته. اما متأسفانه برخلاف درس شیمی، در هنرپیشگی اصلاً موفق نبود!

سکانس چهارم: کنکوری آینده!



زمان : ۲۹ آبان ماه سال ۱۳۹۲

در یک آموزشگاهی که اسم نمی‌برم (!) در اتاق دبیران نشسته بودم و آماده‌ی رفتن سر کلاس بودم که چند ضربه‌ای به در خورد و ...

- قی... ژژژ! (بابا یه نفر این درهای آموزشگاه‌ها رو روغن کاری کنه! صداشون خیلی رو اعصابه!)

- بفرمایید.

- ببخشید. من خودم شاگرد شما هستم ولی یه سوالی در مورد برادرم داشتم.

- خُب، به گوشم.

- برادرم سال دوم دبیرستانه. از نظر هوشی بدک نیست ولی اصلاً درس نمی‌خونه. در مورد شیمی هم، کتاب‌های شما رو براش خریدم ولی اصلاً اونا رو نمی‌خونه!

- چرا؟

- می‌گه تعداد صفحاتش خیلی زیاده. می‌گه من که نمی‌خوام شیمی‌دان بشم!

- خُب، حالا من چیکار کنم؟

- خواستم ببینم شما کتابی می‌شناسین که مطالب رو خلاصه و جمع‌وجور بیان کرده باشه؟ بلکه برادر من یه جورایی راغب بشه درس شیمی رو بخونه.

- خود من که کتابی به صورت خلاصه‌ی درس تألیف نکردم. تا اون جایی هم که در جریانم کتاب‌های خلاصه‌ای که تو بازار هست، اون قدر خلاصه و مختصر نوشته شدن که عملاً برای افرادی مثل برادر شما قابل فهم نیستند.

[باز هم سکانسی نا امید کننده برای من. در کمک به درخواست مردم!]



زمان: ۱۸ فروردین سال ۱۳۹۳

اولین هفته بعد از تعطیلات نوروز بود. خیلی سرحال بودم. با قدرت و صلابت در حال تدریس بودم. با نوشتن هر مطلب روی تخته، رو به جمعیت می‌کردم و مطالب را توضیح می‌دادم. در یکی از این نوسانات که بین تخته و جمعیت انجام می‌دادم چهره‌ی یکی از دانش‌آموزان مشکوک می‌زد! احساس کردم نگاهش به من است اما حواسش زیر می‌زد! با تغییر موقعیت فیزیکی خودم و ایجاد زاویه‌ای مناسب (که جز خود بنده، فقط شرلوک هولمز قادر به انجام آن بود و بس!) شیء زیر میز را رؤیت کردم. ابعادی در حد یک جعبه‌ی انگشتر داشت! پیش خود گفتم آی بابا! باز فصل بهار شد و این جوان‌ها ... بگذریم! سعی کردم بی‌خیال شوم ولی همین‌جور که مشغول تدریس بودم به این فکر می‌کردم که اصلاً چه معنی دارد؟! یک جوان در این سن و سال به فکر انگشتر باشد، آن هم سر کلاس! ما که پای درس و مشق‌مان نشستیم و ته‌خلاف‌مان کیهان‌بچه‌ها و دنیای ورزش بود شدیم این! دیگر وای به حال این جوان‌ها! نه این‌جوری نمی‌شود! تصمیم گرفتم با استفاده از نقشه‌ی TM3¹ (!) مچش را بگیرم. یک تمرین چون‌دار به بچه‌ها دادم و گفتم حلش کنید. با قدم‌های آهسته و در حالی که جواب بچه‌ها را چک می‌کردم سعی کردم به سوژه (!) نزدیک شوم. در آخرین مرحله با یک حرکت یوزپلنگ‌وار (!) سه گام آخر را سریع برداشتم تا عین جن بالای سر متهم ظاهر شوم ... ولی ... آی بخشکی شانس! داشت تمرین کلاس را حل می‌کرد. نقشه‌ام با شکست مواجه شد! تصمیم گرفتم گزینه‌ی مذاکره را انتخاب کنم! رفتم بالای سر دانش‌آموز خاطی و گفتم: «آقای محترم! لطفاً بعد از کلاس تشریف بیارین دفتر می‌خوام باهاتون صحبت کنم».

... حدود هفت - هشت دقیقه از زنگ استراحت می‌گذشت. در دفتر استراحت دبیران نشسته بودم که چند ضربه‌ای به در خورد و ...

- قی ... ژژژ! (نه خیر! مثل این که صدای در آموزشگاه‌ها درست شدنی نیست!)

- بفرمایید.

- آقا ببخشید. مثل این که با من کار داشتین.

- بله عزیزم، بیا جلو.

چهره‌اش نشان می‌داد حسابی شوکه شده! با قدم‌هایی سست و با حالتی تردید گونه به من نزدیک شد. دستم را به طرفش دراز کردم و گفتم:

- جعبه‌ی انگشتر.

از شدت تعجب، ابروهایش با سرعت ۲ متر بر ثانیه، به طرف بالا پرتاب شدند!

- چی آقا؟ جعبه‌ی انگشتر؟

- خودتو به اون راه زن...

- آقا من اصلاً نمی‌فهمم شما چی می‌گین؟

- خودم دیدم سر کلاس داشتی اون جعبه‌ی قرمز رنگ رو نگاه می‌کردی.

لبخندی زد و نفس راحتی کشید. دست کرد در کاپشنش و یک کتاب جیبی قرمز رنگ را در آورد.

- آقا اینو می‌گین؟

می‌گویند آدم در شلنگ شنا کند ولی کنف نشود! اشتباه دیده بودم. جعبه‌ی انگشتر نبود، یک کتاب کوچولو و در عین حال، خپلو بود! طول و عرض کتاب به قدری کوچک بود که با ضخامت آن برابری می‌کرد. واقعاً حق داشتم از آن فاصله، آن هم با چشم غیر مسلح (!) خیال کنم جعبه‌ی انگشتر است.

۱- T مخفف «تمرین بده»، M مخفف «میون نیمکت‌ها قدم بزن» و 3 یعنی «سه قدم آخر رو سریع بردار!» ... واقعاً بابای جیمز باند هم در برابر من کم میاره!

-خب، جریان این چیه؟

- هنوز درست نخوندمش. احساس می‌کنم یه خلاصه‌ای از تمام نکته‌ها و فرمول‌های شیمی، توش هست. فکر کنم برای جمع‌بندی خوب باشه.

کتاب را از او گرفتم و شروع کردم به ورق زدن. برای این‌که بتوانم یک قضاوت کلی در مورد کتاب انجام دهم پیش‌خود گفتم بگذار ببینم مثلاً در بخش ۴ شیمی (یعنی مبحث پیوند کووالانسی) چه نوشته. چشم‌تان روز بد نبیند! کل این بخش که در کنکور سراسری دست کم ۳ تست از آن سؤال می‌آید در ۵ صفحه، آن هم نه ۵ صفحه‌ی معمولی، بلکه ۵ صفحه‌ی (۶cm × ۶cm!) خلاصه شده بود. چیزهایی هم که نوشته بود یک سری کلیاتی بود که هیچ دردی از کسی دوا نمی‌کرد. پیش‌خودم گفتم بهتر است تو ذوقش نزنم. از او پرسیدم.

- ببینم، چه چیزی تو این کتاب برات جذاب بود؟

- راستش من که هنوز ندیدم چی توش نوشته، ولی چون اندازه‌ی کتاب خیلی کوچیک بود ازش خوشم اومد ... آقا، حالا نظر شما چیه؟ به درد می‌خوره؟

- حالا که دیگه خریدی! من چیزی نمی‌گم. فقط یکی از مباحثش رو با چیزایی که من سر کلاس گفتم مقایسه کن. دیگه قضاوت با خودت!

حس بدی داشتم. هر چه به بچه‌ها می‌گفتم که: «باباجون! اینقدر دنبال کتاب‌های خلاصه‌ی درس نباشین. خلاصه‌ی درس به شرطی خوبه که خودتون در طول سال اونا رو به مرور نوشته باشین». مثل این‌که فایده‌ای نداشت که نداشت!

سکانس ششم: بلندگو!



زمان: ۳ اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۴

یک جایی یک لطیفه شنیده (و شاید هم خوانده) بودم که یک نفر می‌رود خواستگاری، خانواده‌ی دختر از خواستگار می‌پرسند، شغل شما چیه؟ و او در جواب می‌گوید: «من داد می‌زنم!» گفتند یعنی چی داد می‌زنی؟ گفت، یعنی جلو در مغازه می‌ایستم و داد می‌زنم که آی ملت بیاین تو، فلان جنس رو بخرین.

آن روز در کتابت فروشی‌های روبه‌روی دانشگاه تهران دنبال یک کتاب شعر برای یکی از دوستانم می‌گشتم که صدای خشن یک مرد در بلندگو نظرم رو جلب کرد.

- بدو آقا بدو! پسر خانم پسر! درسی، کمک‌درسی، تست، تقویتی، دانشگاهی، ...

مسیرم طوری بود که خواه ناخواه داشتم به آن مردی که جلو در یک کتاب‌فروشی فریاد (!) می‌کشید نزدیک می‌شدم. شگفتا که اشتباه می‌کردم، بلندگویی در کار نبود! ماشاًلاً هزار ماشاًلاً صدای آن مرد به قدری قوی و دالبی (!) بود که مخترع بلندگو و آمپلی‌فایر را شرمند کرده بود! با دیدن چهره و هیبت آن مرد احساس ناامنی کردم! راستش قیافه‌اش به همه چیز می‌خورد جز کتاب‌فروشی! جای انواع و اقسام زخم‌های کهنه روی صورتش دیده می‌شد. احتمالاً تازه از خلاف استعفاء داده بود! در همین حین و بین یک پسر ۱۷-۱۸ ساله‌ی ریزنقش و لاغر اندام را دیدم که صاف می‌رفت به طرف آن مرد ...

- (پسر ریزنقش با لحنی محتاطانه!) آقا، آقا، کتاب خلاصه و جمع‌بندی برای شیمی چی دارین؟

- (خنده‌های هولناک و وحشیانه‌ی مرد!) معلومه خُغلی پرتی بُگران! یعنی کتاب ... رو نمی‌شناسی؟

این را گفت و با ژستی شبیه یک شعبده‌باز حرفه‌ای رفت داخل مغازه و چند لحظه بعد با یک کتابی تو مایه‌های همان کتابی که در سکانس قبلی راجع به آن صحبت کردیم ظاهر شد! کتاب را دست آن دانش‌آموز معصوم (!) داد.

- آقا، آقا، یعنی اینو بخونم کنکور قبول می‌شم؟

- (تکرار خنده‌های وحشیانه و دلخراش همان مرد!) آره دآش! ۲۰ رو قول نمی‌دم، ولی ۱۹/۷۵ رو شاخشه!

همان لحظه رفتم توی فکر و دیگه یادم نیست دقیقاً چه شد. به خودم گفتم: «دیگه کافیه! آره دیگه کافیه! حالا که بچه‌ها این قدر دنبال کتاب خلاصه و جمع‌بندی هستن چرا من تو این زمینه توانایی‌های خودم را به چالش نکشم؟ بلافاصله خودم را به دفتر کارم رساندم و سعی کردم افکارم را منظم کنم. روی یک برگه افکاری را که باعث شده بود چندین و چند سال از نوشتن کتاب چکیده و خلاصه طفره بروم را نوشتم. بعضی از این افکار شامل موارد زیر بود.

۱- بزرگ‌ترین مشکل کتاب چکیده و خلاصه این است که یک کار بازاری و غیر علمی به نظر می‌آید.

۲- احساس می‌کردم با کتاب چکیده و خلاصه نمی‌شود یک کار علمی و فرهنگی انجام داد. (باور کنید این را از صمیم قلب می‌گویم و اصلاً قصد شعار دادن و بازگو کردن حرف‌های کلیشه‌ای را ندارم).

۳- با اشرافی که روی سؤال‌های کنکور داشتیم می‌دانستیم که هیچ نکته‌ای در کتاب درسی، قابل حذف کردن نیست و اصلاً نمی‌شود یک چیزهایی را از متن کتاب درسی نگفت به هوای این که مهم نیست و در کنکور سؤال نمی‌آید.

در همان لحظه چشمم به کتاب تست شیمی افتاد که چندین سال پیش تألیف کرده بودم و تا همین لحظه هم یکی از پرفرودارترین کتاب‌های بازار محسوب می‌شود. خوب براندازش کردم، کتاب قطور و گردن کلفتی بود! پیش خودم گفتم یعنی نمی‌شود این مطالب را خلاصه‌تر بیان کرد بدون این که نکته‌ای از قلم بیفتد؟ بدون هدف خاصی شروع به ورق زدن کتاب کردم. سعی کردم هر مطلبی در آن کتاب را با چیزهایی که در کتاب درسی نوشته شده بود مقایسه کنم. در خیلی از موارد، مطلبی را که کتاب درسی در ۲ یا ۳ سطر گفته بود در آن کتاب در ۳ یا ۴ صفحه موشکافی کرده بودم. به خودم گفتم: «خُب، دمت گرم بهمن جون! که این قدر مطالب رو برای بچه‌های مشتاق شیمی باز می‌کنی، ولی ... ولی مگه قراره همه شیمی‌دان بشن! شاید خیلی از بچه‌ها به رشته‌های دیگه علاقه دارن و شیمی رو درسی می‌دونن که صرفاً باید تستش رو تو کنکور بزنی و ویزای (!) ورود به دانشگاه رو دریافت کنن! شاید بشه به کاری کرد که نه سیخ بسوزه و نه کباب. نه اون قدر خلاصه و جمع و جور باشه که به مطلبی از قلم بیفته و نه اون قدر مفصل باشه که از حوزه‌ی کاربردی کنکور خارج بشه» به خودم آمدم! چرا تا آن لحظه همه‌چیز را سیاه و سفید می‌دیدم؟ قرار نیست کل پدیده‌های اطرافمان را به دو دسته‌ی خیر و شر تقسیم کنیم. یک کتاب می‌تواند کتاب چکیده و خلاصه باشه ولی با رعایت یک سری اصول و ضوابط، تا حد معقولی (نه در حد ایده‌آل) کار علمی و فرهنگی خوبی هم به حساب آید. چنین کتابی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشه؟ ۱۰ ویژگی به ذهنم رسید که سعی کردم آن‌ها را به صورت ۱۰ فرمان بنویسم و سعی کنم در تألیف این کتاب به رعایت کامل این ۱۰ فرمان پایبند باشم.

ده فرمان:

- فرمان ۱: تمام نکته‌هایی که می‌توانند در تست‌های کنکور سراسری مطرح شوند باید در این کتاب موجود باشند.
- فرمان ۲: طرح درسی و نحوه‌ی بیان مطالب باید طوری باشد که حتی برای صفر کیلومترها و یا آن‌هایی که مدت‌ها از درس دور بوده‌اند قابل فهم باشد.^۱ (به قول ادیبانی‌ها، نباید «ایجاز مخل» شود).
- فرمان ۳: مطالب کتاب باید آن‌قدر خلاصه و جمع و جور باشد که برای یک دانش‌آموز قوی حکم جمع‌بندی را داشته باشد.^۲ (باز هم به قول ادیبانی‌ها، نباید «اطناب مُجمل» شود.)
- فرمان ۴: تمرین‌های آموزشی در حدی گنجانده شود که مطالب برای خواننده‌ی کتاب، کاملاً جا بیفتد.
- فرمان ۵: از ذکر نکته‌های کهنه و خارج از محدوده پرهیز شود.
- فرمان ۶: مطالب، بیش از حد لازم شکافته نشوند تا کتاب، حجیم نشود.
- فرمان ۷: در مورد هر مبحث، اطلاعات آماری خوبی به خواننده‌ی کتاب داده شود. مبنی بر این که فلان مبحث تاکنون چند بار در تست‌های کنکور سراسری مطرح شده و با چه زاویه‌ای به آن نگریسته شده است.
- فرمان ۸: در هر مبحث، تست‌های کلیدی و پر تکرار کنکور سراسری سال‌های گذشته، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.
- فرمان ۹: در تست‌هایی که به صورت «کدام عبارت درست و یا نادرست است؟» و یا «چند مورد از عبارت‌های زیر درست هستند؟» عبارت‌های معروف و پر تکرار به خواننده معرفی شوند.
- فرمان ۱۰: تست‌های احتمالی کنکور سال‌های آینده رو نمایی شوند!
- از شما خوانندگان عزیز تقاضا می‌کنم اگر در هر قسمتی از این کتاب، احساس کردید یکی از این ۱۰ فرمان زیر پا گذاشته شده، بلافاصله به ما اطلاع دهید تا به راه راست هدایت شویم! یادتان نرود ها، بی‌تعارف می‌گوییم، حتماً این کار را بکنید، کلی به جان‌تان دعا می‌کنیم.

۱- در نوشتن این فرمان، بیش‌تر یاد «داوطلب کهنه‌کار» در سکانس دوم و نیز «کنکوری آینده» در سکانس چهارم بودم.

۲- در نوشتن این فرمان، بیش‌تر یاد «نابغه» در سکانس سوم بودم.

حالا چرا فیل؟!

خیلی‌ها از ما می‌پرسند که چرا اسم این مجموعه را فیل گذاشتید؟ ما هم در جواب، دست به کمر می‌ایستیم، کمی به جلو خم می‌شویم و در حالی که با چشمان نافذ خود (!) به چشمان غیر نافذ (!) شخص سؤال کننده خیره می‌شویم با عصبانیت می‌پرسیم: «مگه فیل چه شه؟!» بعد از این دیالوگ، دو حالت ممکن است پیش آید. حالت اول این است که شخص سؤال کننده می‌ترسد و بلافاصله از منطقه متواری می‌شود! حالت دوم این است که شخص سؤال کننده از آن بیدهایی نیست که از بادی چون ما بترسد! در این صورت، ما از او می‌ترسیم و با مهربانی از او دعوت می‌کنیم بنشینند و پس از پذیرایی (با نسکافه، کافه، گلاسه، سان‌شاین^۲ و ...) برایش توضیح می‌دهیم که فیل نماد چند چیز است:

۱ - فیل = دوستدار: نمی‌دانم واژه‌هایی مثل الکتروفیل، نوکلئوفیل، هیدروفیل و ... به گوش تان خورده یا نه. به هر حال این واژه‌ها (که تا چند سال پیش در کتاب‌های درسی حضور داشتند) به ترتیب به معنی دوستدار الکترون، دوستدار هسته و دوستدار آب هستند. بله، درست فهمیدید! پسوند «فیل» (Phile) در شیمی به معنی «دوستدار» است.



هر کسی در زندگی‌اش فیل یک چیزی هست! بعضی‌ها فیل دانشگاه هستند، بعضی‌ها فیل پول و ثروت، بعضی‌ها فیل ماشین آخرین مدل و یا خیلی چیزهای دیگر. بین خودمان باشد. ما یک رازی را کشف کرده‌ایم. ما فهمیده‌ایم که طراحان کنکور سراسری در درس شیمی، فیل چه مطالبی هستند و دقیقاً همان مطالب را در مجموعه کتاب‌های فیل شیمی آورده‌ایم. پس با خواندن این مجموعه کتاب‌ها، در سریع‌ترین زمان ممکن مطالبی را یاد می‌گیرید که طراحان کنکور سراسری فیل آن‌ها (یعنی دوستدار آن‌ها) هستند.

۲ - فیل = قوی‌ترین حس بویایی: اگر فکر می‌کنید که سگ قوی‌ترین حس بویایی را دارد بدانید که سخت در اشتباهید! چون حس بویایی سگ در برابر حس بویایی فیل، عددی نیست! در صحرای آفریقا به هنگام خشکسالی، بومیان مناطق مختلف (از جمله منطقه‌ی گومبا گومبا!) فیل‌ها را بواشکی تعقیب می‌کنند. فیل‌ها از فاصله‌ی چندین کیلومتری می‌توانند بوی آب را احساس کنند و به طرف آن حرکت می‌کنند. فیل‌ها پس از رسیدن به جایی که سطح آب زیرزمینی به سطح خاک نزدیک است، با خرطوم خود خاک را می‌کنند و با ایجاد گودال‌هایی، باعث می‌شوند آب‌های زیرزمینی وارد این گودال‌ها شوند و بدین ترتیب هم خود و هم بومیان منطقه را سیراب می‌کنند.



مجموعه کتاب‌های «فیل شیمی» نیز دارای حس بویایی بسیار قوی هستند، البته چیزی که این مجموعه کتاب‌ها بو می‌کشند، تست‌های کنکور سال‌های آینده است! در این مجموعه کتاب‌ها، سعی شده است تست‌ها و تمرین‌هایی مطرح شوند که بیش‌ترین شانس را برای مطرح شدن در کنکور سراسری سال‌های آینده دارند.

۱- ببخشید که کمی عصبی شدیم! باور کنید دست خودمان نیست. آخه ما خیلی روی فیل غیرت داریم!
۲- از چای استفاده نمی‌کنیم. کلاس لازم را ندارد!



۳- فیل = متخصص پرس کردن! می‌دانید ما چطور

مجموعه کتاب‌های «فیل شیمی» را نوشتیم؟ فکر کرده‌اید خیلی زحمت کشیده‌ایم؟ نه، اصلاً این‌طور نیست! برای تولید کتاب‌های «فیل شیمی» ابتدا کلیه کتاب‌های تست و آموزش شیمی مبتکران (که بالغ بر ۱۰ جلد و چند هزار صفحه بود) را روی هم گذاشتیم سپس برای یک فیل دوست داشتنی (!) توضیح دادیم که سر پا ایستادن زیاد، برای سلامتی و به خصوص برای زانوهایش خوب نیست و او را قانع کردیم که روی مجموعه کتاب‌های تست و آموزش شیمی مبتکران بنشیند. حاصل چه شد؟ بله، در عرض چند ثانیه، چندین جلد کتاب قطور پرس شدند و به صورت فشرده، چکیده و عصاره درآمدند. ما هم اسمش را گذاشتیم: «فیل شیمی»!



۴- فیل = مظهر قدرت و صلابت: به شما قول می‌دهیم

بعد از خواندن مجموعه کتاب‌های «فیل شیمی»، قدرت و صلابت شما در درس شیمی، با قدرت و صلابت فیل در جنگل برابری می‌کند.

به هر حال امیدواریم با خواندن مجموعه کتاب‌های فیل شیمی، شما هم یکی از میلیون‌ها فیل شیمی شوید و این را بدانید که ما همواره فیل شما هستیم و از صمیم قلب برایتان آرزو می‌کنیم که زندگی‌تان سرشار از فیل باشد!

تشکر و قدردانی

و حالا جا دارد یادی از همکاری کنیم که در واحدهای مختلف انتشارات مبتکران برای آماده‌سازی این کتاب زحمات زیادی متحمل شده‌اند. استاد گرامی جناب آقای علیرضا تمدنی بررسی کارشناسی این مجموعه را برعهده داشته‌اند. آقای امیرحسین داودی طراحی جلد این کتاب را انجام داده‌اند. و خانم معصومه عزیزی در تایپ و صفحه‌آرایی این کتاب نهایت دقت و حوصله را به خرج داده‌اند و خانم مینا غلام احمدی نیز زحمات زیادی در رسم شکل‌ها و نمودارها متحمل شده‌اند. پیشاپیش از کلیه خواننده‌های این کتاب که با ارائه انتقادات و پیشنهادات ما را یاری می‌کنند قدردانی می‌کنم.

به امید موفقیت شما.

بهمن بازرگانی

آه می‌فوائین نظر بدین، آه می‌فوائین با ارسال گل و شیرینی (تربیباً شیرینی تر و خامه‌ای باشه لطفاً!) از ما تشکر کنین و حتی آه می‌فوائین از ما انتقاد کنین، همه‌ی این‌ها لطف و مهربونی شما رو می‌رسونه. شاعر در این باره می‌فرماید:

ارسال کن پرای ما یک خرده مهربانی از هر راهی که می‌دانی، بیا این هم نشانی!

● از طریق تلگرام: @Bazargani Bahman Chem Academy

● از طریق اینستاگرام: @ Bahman – Bazargani – Chem – academy

● از طریق E-mail: bahman.bazargani@yahoo.com

با آدرس‌های فوق می‌توانید به طور مستقیم با مؤلف کتاب (بهمن بازرگانی) تماس بگیرید. در ضمن، فراموش نکنید که بگویید رایج به چه کتابی (تست، فیل شیمی و ...) و چه سالی (دهم، یازدهم و ...) و معتم‌تر از همه چاپ چندم، دارید نظر می‌دهید. ممنون.

فصل اول - کیهان زادگاه الفبای هستی

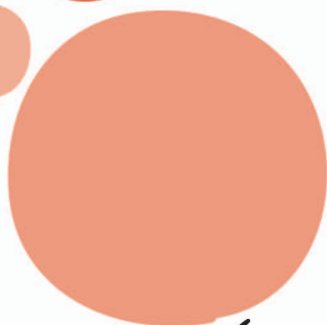
- ۱- ستاره‌شناسی (وویدجرها، مقایسه‌ی زمین و مشتری، مهبانگ و پیدایش عنصرها)..... ۱۶
- ۲- عدداتمی، عددجرمی، ایزوتوپ، رادیوایزوتوپ..... ۱۹
- ۳- جرم اتمی، مسائل جرم اتمی میانگین ایزوتوپها، مول و عددآووگادرو..... ۲۹
- ۴- پرتوهای الکترومغناطیسی، آزمون شعله، طیف نشری خطی و مدل اتمی بور..... ۳۶
- ۵- مدل اتمی کوانتومی، عددهای کوانتومی، لایه‌ها، زیرلایه‌ها و آرایش الکترونی اتمها..... ۴۴
- ۶- ارتباط آرایش الکترونی اتمها با موقعیت آنها در جدول دوره‌ای عناصر..... ۵۵
- ۷- آرایش هشتایی و پیش‌بینی رفتار اتمها به کمک آرایش الکترونی..... ۶۶
- ۸- ترکیبهای یونی با یون‌های تک اتمی..... ۷۳
- ۹- پیوند کووالانسی و مواد مولکولی..... ۸۰
- مینی آزمون فصل اول..... ۹۴

فصل دوم - ردپای گازها در زندگی

- ۱- هوا کره و لایه‌های آن..... ۱۰۲
- ۲- تقطیر هوای مایع و خصوصیات گازهای موجود در هوا..... ۱۰۹
- ۳- نام‌گذاری ترکیبهای یونی دارای فلزهای واسطه و ترکیبهای مولکولی..... ۱۱۸
- ۴- رسم ساختار لوویس مولکولها و یونها..... ۱۲۳
- ۵- واکنش سوختن، اکسیدهای اسیدی و بازی، آمونیاک..... ۱۴۳
- ۶- تغییرهای فیزیکی و شیمیایی، معادله‌های نمادی و نوشتاری..... ۱۵۲
- ۷- موازنه‌ی واکنشهای شیمیایی..... ۱۵۷
- ۸- مشکلات زیست محیطی (باران اسیدی، گرمایش زمین، ردپای CO_2 ، اثر گلخانه‌ای، شیمی سبز و توسعه‌ی پایدار)..... ۱۶۰
- ۹- اوزون در تروپوسفر و استراتوسفر..... ۱۷۱
- ۱۰- رفتار گازها..... ۱۷۶
- ۱۱- حل مسائل استوکیومتری..... ۱۸۸
- مینی آزمون فصل دوم..... ۲۰۰

فصل سوم - آب، آهنگ زندگی

- ۱- آب اقیانوسها و دریاها، الفبای محلولها، تهیه‌ی $NaCl$ و Mg از آب دریا، ردپای آب..... ۲۰۸
- ۲- شناسایی یونها و نام‌گذاری یونهای چنداتمی..... ۲۱۴
- ۳- مسائل مربوط به انواع غلظتها (ppm، درصد جرمی، غلظت مولار، استوکیومتری محلولها)..... ۲۲۰
- ۴- انحلال‌پذیری و مسائل آن..... ۲۳۷
- ۵- پیوندهای قطبی و ناقطبی، مولکولهای قطبی و ناقطبی..... ۲۵۲
- ۶- نیروهای بین مولکولی و مقایسه‌ی نقطه‌ی ذوب و جوش..... ۲۵۹
- ۷- حلالها و انحلال مواد در یکدیگر..... ۲۷۱
- ۸- انحلال گازها در آب..... ۲۷۹
- ۹- فرایند اسمز، اسمز معکوس و تصفیه‌ی آب..... ۲۸۶
- مینی آزمون فصل سوم..... ۲۹۲



فصل اول - کیهان زادگاه الفبای هستی

PHILE OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMI:
TRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHILE C
CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHIL
OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY
PHILE OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMI:
TRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHILE C
CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHIL
OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTR
- PHILE OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMI:
TRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHILE C
CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHIL
OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY
OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHIL
- PHILE OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTR
ISTRY OF - CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEM
OF CHEM - PHILE OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHIL
- PHILE ISTRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTR
OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHILE C
PHILE TRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY
CHEM - OF CHEMISTRY - PHILE OF CHEMISTRY - PHILE C
HILE I OF CH - PHILE ISTRY - PHIL
CHEM - PHILEME OF CHEMISTRY
HILE - HIELEMO F ISTRY - PHIL
HILE - PHILEMISOF CHEMISTRY
HILE - PHILELEMOF CHEMISTRY
HILE - PHILECHEOF CHEMISTRY
CHE - -PHILEHE OF CHEMISTR

مطالب این فصل را در ۹ مبحث زیر ارائه می‌دهیم:

۱-۱- ستاره‌شناسی (ووچرها، مقایسه‌ی زمین و مشتری، مهبانگ و پیدایش

عنصرها)

۲-۱- عدداتی، عددجرمی، ایزوتوپ، رادیوایزوتوپ

۳-۱- جرم اتمی، مسائل جرم اتمی میانگین ایزوتوپها، مول و عددآووگادرو

۴-۱- پرتوهای الکترومغناطیسی، آزمون شعله، طیف نشری خطی و مدل اتمی بور

۵-۱- مدل اتمی کوانتومی، عددهای کوانتومی، لایه‌ها، زیرلایه‌ها و آرایش

الکترونی اتمها

۶-۱- ارتباط آرایش الکترونی اتمها با موقعیت آنها در جدول دوره‌ای عناصر

۷-۱- آرایش هشتایی و پیش‌بینی رفتار اتمها به کمک آرایش الکترونی

۸-۱- ترکیب‌های یونی با یون‌های تک اتمی

۹-۱- پیوند کووالانسی و مواد مولکولی

۱-۱- ستاره‌شناسی (وویرها، مقایسه‌ی زمین و مشتری، مهبانگ و پیدایش عنصرها



کام اول = آشنایی ۸

بدون تعارف بگویم! در این قسمت قرار نیست «شیمی» بفوانیم. بلکه می‌فواهم ستاره‌شناسی بفوانیم! مطالب مورد بحث در این قسمت عبارتند از: وویرهای ۱ و ۲، مقایسه‌ی سیاره‌های زمین و مشتری، مهبانگ و پیدایش عنصرها. این قسمت قبلی هنر کند، یک تست از آن در کنگور بیاید.



کام دوم = چکیده و خلاصه‌ی ووی ۸

وویرهای ۱ و ۲:

در مورد فضاپیماهای وویر ۱ و ۲ باید موارد زیر را به خاطر بسپارید.

۱- این دو فضاپیما در سال ۱۹۷۷ میلادی (۱۳۵۶ خورشیدی) به فضا پرتاب شدند.

۲- مأموریت این دو فضاپیما تهیه و ارسال شناسنامه فیزیکی و شیمیایی چهار سیاره‌ی بیرونی سامانه‌ی خورشیدی (منظومه‌ی شمسی) یعنی سیاره‌های مشتری، زحل، اورانوس و نپتون بود.

۳- آخرین تصویری که وویر ۱ پیش از خروج از سامانه‌ی خورشیدی از زمین گرفت، از فاصله‌ی تقریبی ۷ میلیارد کیلومتری بود.

مقایسه‌ی سیاره‌های زمین و مشتری:

در مقایسه‌ی سیاره‌های زمین و مشتری، جدول زیر را به طور دقیق به خاطر بسپارید.

مشتری	زمین	نام سیاره
بزرگ‌ترین سیاره‌ی منظومه‌ی شمسی	پنجمین سیاره‌ی بزرگ	اندازه در مقایسه با سایر سیاره‌های منظومه‌ی شمسی
پنجمین سیاره	سومین سیاره	نزدیکی به خورشید
گازی	سنگی	نوع سیاره
		نمودار فراوانی عنصر
هیدروژن، که فراوانی آن حدود ۹۰ درصد است	آهن، که فراوانی آن کم‌تر از ۵۰ درصد است	فراوان‌ترین عنصر
$H > He > C > O$	$Fe > O > Si > Mg$	چهار عنصر فراوان
فقط نافلز	فلز، نافلز و شبه فلز	نوع عنصرها در میان ۸ عنصر فراوان

🔑 نکته: در میان ۸ عنصر فراوان در دو سیاره‌ی زمین و مشتری، دو عنصر اکسیژن و گوگرد، مشترک هستند.

🔑 نکته: نوع و میزان فراوانی عنصرها در دو سیاره‌ی زمین و مشتری متفاوت است یافته‌هایی از این دست نشان می‌دهند که عنصرها به صورت ناهمگون در جهان هستی توزیع شده‌اند.



مهبانگ و پیدایش عنصرها

داستان آفرینش عنصرها را می‌توان به صورت زیر خلاصه نمود:

- ۱- امروزه دانشمندان بر این باورند که سرآغاز کیهان با انفجاری مهیب (یعنی **مهبانگ** یا همان **بیگ بنگ فورمان**) همراه بوده که طی آن انرژی عظیمی آزاد شده و ذره‌های زیراتمی (یعنی **الکترون**، **پروتون** و **نوترون**) در کل عالم پخش شده‌اند.
- ۲- پس از مدتی، الکترون به پروتون می‌رسد و دور آن می‌چرخد و بدین ترتیب عنصر هیدروژن پدید می‌آید.
- ۳- بر اثر گذشت زمان، درصدی از اتم‌های هیدروژن طی واکنش‌های هسته‌ای با یکدیگر ترکیب شده و تشکیل عنصر **هلیوم** را می‌دهند.
- ۴- با گذشت زمان و بر اثر **کاهش دما**، گازهای هیدروژن و هلیوم، متراکم شده و مجموعه‌های گازی به نام **سحابی** را ایجاد می‌کنند.
- ۵- بر اثر دمای بالای ستاره‌ها، یک سری واکنش‌های هسته‌ای انجام می‌شوند که طی آن‌ها به مرور عنصرهای سبک‌تر (یعنی H و He) تبدیل به عنصرهای نسبتاً سنگین‌تر (مانند لیتیم، کربن و ...) می‌شوند.
- ۶- پس از این که عنصرهای درون یک ستاره از حد معینی سنگین‌تر شد، ستاره‌ی مورد نظر به دلیل ناپایداری منفجر شده و اتم‌های سنگین (مانند آهن، مس، طلا و ...) را در سرتاسر گیتی پراکنده می‌کند. به همین دلیل است که ستاره‌ها را کارخانه‌ی تولید عنصرها می‌دانند.



گام سوم = حل تمرین 8

حال ببینیم از این مبحث که بیش‌تر مال و هوای ستاره‌شناسی داشت، چه تست‌هایی را می‌توان مطرح نمود.

سوال ۱: چند مورد از مطالب زیر درست هستند؟

- آ - پاسخ پرسش‌هایی از قبیل «جهان کنونی چگونه شکل گرفته است؟» در قلمرو علم تجربی نمی‌گنجد.
 ب - دومین عنصری که پس از مهبانگ به وجود آمد، دومین فراوانی را در سیاره‌ی مشتری دارد.
 پ - پس از مهبانگ، با گذشت زمان و افزایش دما، گازهای هیدروژن و هلیوم متراکم شده و مجموعه‌های گازی به نام سحابی را ایجاد کردند.
 ت - تولد ستاره با یک انفجار بزرگ همراه است.

۴ (۴)

۳ (۳)

۲ (۲)

۱ (۱)

جواب بررسی هر یک از عبارتها به صورت زیر است.

آ - نادرست است. آن پرسشی که پاسخ آن در قلمرو علم تجربی نمی‌گنجد، این است که «هستی چگونه پدید آمده است؟».

ب - درست است. امیروارم در *ریالی تان افتخاره باشد که منظور، بناب مستطاب، هلیوم کبیر است!*

پ - نادرست است. به جای کلمه‌ی «افزایش»، کلمه‌ی «کاهش» بگذارید، آن وقت ما مفصل این عبارت هم هستیم!

ت - به به، چشم‌مان روشن! ستاره‌های برفقت می‌میرند و آن وقت شما جشن تولد برگزار می‌کنید؟ بارتان باشد که انفجار بزرگ

نشان‌دهنده‌ی مرگ ستاره است نه تولد آن. پس این عبارت نادرست است.

پس گزینه‌ی (۱) درست است.



۲-۱- عدد اتمی، عدد جرمی، ایزوتوپ، ها، رادیوایزوتوپ



کام اول = آشنایی 8

همان طور که می دانید هر اتم از هسته و الکترون های پیرامون آن تشکیل شده است. در این قسمت کار پندانی با الکترون ها نداریم و بحث ما بیش تر روی هسته ای اتم متمرکز است. تعاریف عدد اتمی و عدد جرمی و ایزوتوپ نیز همگی به نوعی به هسته ای اتم وابسته هستند. در قسمت رادیوایزوتوپ ها هم کلی مطلب ففقی داریم.



کام دوم = چکیده و خلاصه ی دوره 8

عدد اتمی، عدد جرمی و شمار ذره های زیر اتمی:

از علوم متوسطه ی اول (یعنی از دوران طفولیت!) می دانید که هر اتم از یک هسته تشکیل شده است که پروتون ها و نوترون ها به صورت فشرده در آن جای دارند و الکترون ها نیز به دور هسته در حال چرخیدن هستند. در ارتباط با اجزای سازنده ی اتم باید موارد زیر را بدانید.

۱- **عدد اتمی (Z):** به تعداد پروتون های هسته ای یک اتم گفته می شود. کاملاً تابلو است که (!) چون اتم ها از لحاظ الکتریکی خنثی هستند، شمار الکترون های هر اتم با شمار پروتون های آن (به عبارت دیگر با عدد اتمی آن برابر است).

۲- **عدد جرمی (A):** به مجموع شمار پروتون ها و نوترون های یک اتم گفته می شود.

رابطه ی مقابل را هم که مطمئنم بلدید!

$$A = Z + N$$

تعداد نوترون ها عدد اتمی عدد جرمی

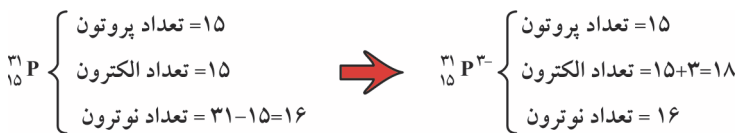
۳- برای معرفی هر اتم، آن را با دو عدد مشخص می کنند. عدد کوچک تر که پایین و سمت چپ نوشته می شود، عدد اتمی و عدد بزرگ تر که بالا و سمت چپ نوشته می شود عدد جرمی است.



برای نمونه هنگامی که اتم آلومینیم را به صورت ${}^{27}_{13}\text{Al}$ نمایش می دهیم بدین معنی است که عدد اتمی آن برابر ۱۳ است، پس این اتم ۱۳ پروتون (و در نتیجه ۱۳ الکترون) دارد. عدد جرمی این اتم نیز برابر ۲۷ است که اگر عدد ۱۳ را از آن کم کنیم می فهمیم که این اتم ۱۴ نوترون دارد.

۴- به هنگام تبدیل یک اتم به یون، فقط الکترون ها کم و زیاد می شوند و تعداد پروتون ها و نیز تعداد نوترون ها در هسته بدون تغییر باقی می ماند. بار مثبت نشان دهنده ی آن است که یون مورد نظر به تعداد بار مثبت، الکترون های کمتری نسبت به اتم اولیه دارد. اما بار منفی بیان گر آن است که یون مورد بحث به تعداد بار منفی، الکترون های بیش تری نسبت به اتم اولیه دارد.

برای نمونه، یون ${}^{27}_{13}\text{Al}^{3+}$ نسبت به اتم ${}^{27}_{13}\text{Al}$ سه الکترون کم تر دارد، اما یون ${}^{31}_{15}\text{P}^{3-}$ نسبت به اتم ${}^{31}_{15}\text{P}$ سه الکترون بیش تر دارد.





۵= در یون‌های چنداتمی (مانند H_3O^+ ، NH_4^+ و ...) شمار پروتون‌ها برابر مجموع شمار پروتون‌های اتم‌های سازنده آن یون و شمار نوترون‌ها نیز برابر مجموع شمار نوترون‌های اتم‌های سازنده یون مورد نظر می‌باشد. برای تعیین شمار الکترون‌ها نیز به تعداد بار مثبت از مجموع تعداد پروتون‌ها کم می‌کنیم و به تعداد بار منفی به مجموع تعداد پروتون‌ها اضافه می‌نماییم.

مثال آموزشی: تعداد پروتون، الکترون و نوترون را در یون‌های CH_3^+ و PO_4^{3-} تعیین کنید. (ویژگی اتم‌ها را به صورت ^A_ZX ، $^{12}_6\text{C}$ ، $^{16}_8\text{O}$ و $^{31}_{15}\text{P}$ در نظر بگیرید.)

$$\text{CH}_3^+ \begin{cases} \text{تعداد پروتون} = 6+3(1) = 9 \\ \text{تعداد الکترون} = 9-1 = 8 \\ \text{تعداد نوترون} = 6+3(0) = 6 \end{cases}$$



$$\text{PO}_4^{3-} \begin{cases} \text{تعداد پروتون} = 15+4(8) = 47 \\ \text{تعداد الکترون} = 47+3 = 50 \\ \text{تعداد نوترون} = 16+4(8) = 48 \end{cases}$$

☞ در هسته‌ی اتم‌ها شمار نوترون‌ها مساوی یا بیش‌تر از شمار پروتون‌ها است. (البته به جز هیدروژن معمولی (^1_1H) که نوترون ندارد)

شمار نوترون‌ها (n) ≤ شمار پروتون‌ها (p)



در هسته‌ی اتم‌ها

به بیان دیگر، هنگامی که در تست‌ها و سؤال، تفاوت شمار پروتون‌ها و نوترون‌ها را به ما می‌دهند باید بنویسیم:

میزان تفاوت داده شده $n - p =$

☠ **بچه‌ها مواظب باشید!** یک وقت فرای نکرده (!) رابطه‌ی بالا را به صورت زیر ننویسیدها! چون رابطه‌ی زیر غلطه‌ی آبی غلطه!

خطای متداول → میزان تفاوت داده شده $p - n =$

نادرست!

حال بایید ببینیم مطلب فوق‌پلونه در تست‌ها به کار می‌رود.

مثال آموزشی ۱: در اتم $^{45}_{21}\text{X}$ ، تفاوت شمار پروتون‌ها و نوترون‌های هسته برابر ۳ است. شمار الکترون‌های اتم X

کدام است؟

جواب: با توجه به این که عددجرمی اتم X برابر ۴۵ است می‌توان نوشت: $45 = \text{شمار پروتون‌ها (p)} + \text{شمار نوترون‌ها (n)}$ از طرفی، چون تفاوت شمار پروتون‌ها و نوترون‌ها برابر ۳ است، می‌توان نوشت:

$$3 = \text{شمار پروتون‌ها (p)} - \text{شمار نوترون‌ها (n)}$$

حال دو معادله داریم و دو مجهول که به کمک آن‌ها می‌توانیم شمار پروتون‌ها (p) و نیز شمار نوترون‌ها (n) را به دست آوریم.

$$\begin{cases} n + p = 45 \\ n - p = 3 \end{cases}$$

$$\text{جمع: } 2n = 48 \Rightarrow n = 24 \Rightarrow n - p = 3 \Rightarrow 24 - p = 3 \Rightarrow p = 21$$

همان‌طور که می‌دانید در اتم‌های خنثی، تعداد الکترون‌ها با تعداد پروتون‌ها برابر است. پس گزینه‌ی (۲) درست است.



مثال آموزشی ۲: اگر در یون $^{2+}_{87}A$ ، تفاوت شمار الکترون‌ها و نوترون‌ها برابر ۱۳ باشد، عدد اتمی عنصر A کدام است؟

۳۸ (۴)

۴۷ (۳)

۴۹ (۲)

۳۶ (۱)

جواب: با توجه به این که عدد جرمی عنصر ^{87}A برابر ۸۷ است می‌توان نوشت:

$$87 = \text{شمار پروتون‌ها (p)} + \text{شمار نوترون‌ها (n)}$$

از طرف دیگر، چون یون A^{2+} دارای بار الکتریکی ۲+ است خواهیم داشت:

$$2 - \text{شمار پروتون‌ها (p)} = \text{شمار الکترون‌ها (e)}$$

همچنین از آن جایی که تفاوت شمار الکترون‌ها و نوترون‌ها برابر ۱۳ است می‌توان نوشت:

$$13 = \text{شمار الکترون‌ها (e)} - \text{شمار نوترون‌ها (n)}$$

چنانچه در رابطه‌ی اخیر، به جای شمار الکترون‌ها (e)، شمار پروتون‌ها (p) را قرار دهیم می‌توان نوشت:

$$n - e = 13 \Rightarrow n - (p - 2) = 13 \Rightarrow n - p = 11$$

حال دو معادله داریم و دو مجهول، که از آن جا می‌توانیم شمار نوترون‌ها (n) و نیز شمار پروتون‌ها (p) را به دست آوریم:

$$\begin{cases} n + p = 87 \\ n - p = 11 \end{cases}$$

$$\text{جمع: } 2n = 98 \Rightarrow n = 49 \Rightarrow n + p = 87 \Rightarrow 49 + p = 87 \Rightarrow p = 38$$

با توجه به این که شمار پروتون‌های یون A^{2+} برابر ۳۸ است می‌توان دریافت که عدد اتمی عنصر A نیز برابر ۳۸ می‌باشد. پس گزینه‌ی (۴) درست است.

ایزوتوپ (هم مکان)

در مورد ایزوتوپ به موارد زیر توجه کنید.

۱- به اتم‌های یک عنصر که عدد اتمی یکسان اما عدد جرمی متفاوت دارند، **ایزوتوپ (هم مکان)** می‌گویند.

برای نمونه اتم‌های $^{24}_{12}Mg$ ، $^{25}_{12}Mg$ و $^{26}_{12}Mg$ نسبت به هم، ایزوتوپ (هم مکان) هستند زیرا عدد اتمی آن‌ها یکسان، اما عدد جرمی آن‌ها متفاوت است.

۲- ایزوتوپ‌های یک عنصر معین دارای شمار پروتون‌ها و نیز شمار الکترون‌های یکسانی هستند و تفاوت آن‌ها فقط در **شمار نوترون‌ها** است. برای نمونه، اتم‌های $^{24}_{12}Mg$ ، $^{25}_{12}Mg$ و $^{26}_{12}Mg$ همگی دارای ۱۲ پروتون و نیز ۱۲ الکترون هستند، اما شمار نوترون‌ها در آن‌ها به ترتیب برابر ۱۲، ۱۳ و ۱۴ است.

۳- **خواص شیمیایی** اتم‌ها به شمار ذره‌های باردار (الکترون‌ها و پروتون‌ها) در آن‌ها وابسته است و چون شمار الکترون‌ها و نیز شمار پروتون‌ها در اتم‌های مربوط به ایزوتوپ‌های مختلف یک عنصر یکسان هستند، این اتم‌ها خواص و رفتار شیمیایی کاملاً یکسانی دارند به همین دلیل شیمی‌دان‌ها آن‌ها را در یک خانه‌ی معین از جدول دوره‌ای عنصرها قرار داده و به آن‌ها **هم مکان** می‌گویند. (یعنی دارای مکانی یکسان در جدول دوره‌ای عنصرها)

۴- تفاوت بودن شمار نوترون‌ها در اتم‌های مربوط به ایزوتوپ‌های یک عنصر، باعث می‌شود که عدد جرمی و نیز جرم آن‌ها با یکدیگر متفاوت باشد به همین دلیل است که ایزوتوپ‌ها در **خواص فیزیکی وابسته به جرم** مانند چگالی با یکدیگر تفاوت دارند.

۵- **درصد فراوانی** هر ایزوتوپ از رابطه‌ی زیر تعیین می‌شود.

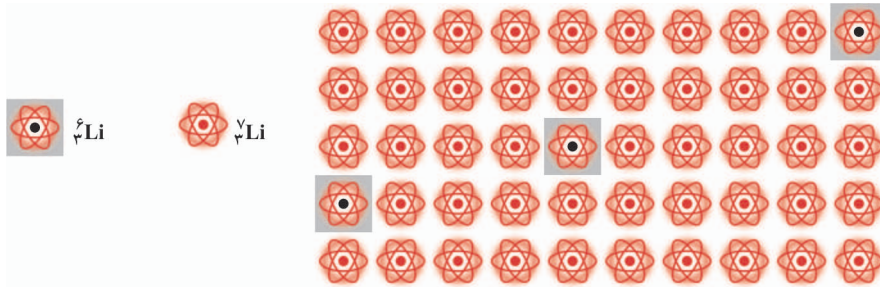
$$\text{درصد فراوانی هر ایزوتوپ} = \frac{\text{شمار اتم‌های آن ایزوتوپ}}{\text{شمار کل اتم‌ها}} \times 100$$



برای نمونه، با توجه به شکل زیر که مربوط به صفحه‌ی ۶ کتاب درسی است، درصد فراوانی هر یک از ایزوتوپ‌ها به صورت زیر تعیین می‌شود.

$$\text{درصد } {}^7\text{Li} = \frac{47}{50} \times 100 = 94\%$$

$$\text{درصد } {}^6\text{Li} = \frac{3}{50} \times 100 = 6\%$$



هرچه درصد فراوانی یک ایزوتوپ در طبیعت بیشتر باشد نشان دهنده‌ی آن است که ایزوتوپ مربوطه پایدارتر است. برای نمونه، طبق محاسبات بالا می‌توان دریافت که اتم‌های ${}^7\text{Li}$ نسبت به اتم‌های ${}^6\text{Li}$ پایدارترند زیرا درصد فراوانی آن‌ها در طبیعت بیشتر است. طبق یک قاعده‌ی کلی، اگر برای هسته‌ای نسبت شمار نوترون‌ها به شمار پروتون‌ها $1/5$ یا بزرگ‌تر باشد، هسته‌ی یاد شده، اغلب (نه همیشه) ناپایدار و پرتوزا خواهد بود. در این صورت به ایزوتوپ مورد نظر، **رادیوایزوتوپ** می‌گویند. بر اثر متلاشی شدن هسته‌ی رادیوایزوتوپ‌ها، ذره‌های پرنرژی، به همراه مقدار زیادی انرژی و نیز هسته‌ی پایدارتر تولید می‌شوند.



سرعت واپاشی یک ماده‌ی پرتوزا را با کمیتی به نام «نیم عمر» مشخص می‌کنند. نیم عمر، مدت زمانی است که طول می‌کشد تا نیمی از هسته‌های پرتوزا واپاشیده شوند.

برای نمونه، هنگامی که می‌گوییم نیم‌عمر یک ماده‌ی پرتوزا ۱۲ سال است بدین معنی است که مثلاً اگر ۲۰ گرم از ماده‌ی پرتوزای مورد نظر را داشته باشیم، پس از ۱۲ سال، ۱۰ گرم آن ($1/2 = 10$) واپاشیده می‌شود و ۱۰ گرم از آن باقی می‌ماند. پس از ۱۲ سال دیگر ۵ گرم آن ($1/4 = 5$) واپاشیده می‌شود و ۵ گرم از آن باقی می‌ماند و همین‌طور الی آخر.

تذکر: هرچه نیم‌عمر یک ایزوتوپ طولانی‌تر باشد، نشان دهنده‌ی آن است که ایزوتوپ مربوطه پایدارتر است. پس اگر روزی فواستید از یک ایزوتوپ تشکر کنید بهتر است به او بگویید: «نیم‌عمرتان دراز بار!»

جمع‌بندی: تشابه و تفاوت‌های ایزوتوپ‌ها را می‌توان به صورت جدول زیر خلاصه نمود.

۱- عدد اتمی، ۲- شمار پروتون‌ها، ۳- شمار الکترون‌ها، ۴- خواص و رفتار شیمیایی، ۵- موقعیت در جدول دوره‌ای عناصرها	تشابه ایزوتوپ‌ها
۱- شمار نوترون‌ها، ۲- عدد جرمی، ۳- جرم اتمی، ۴- خواص فیزیکی وابسته به جرم مانند چگالی، ۵- درصد فراوانی، ۶- پایداری هسته، ۷- نیم‌عمر (در مورد رادیوایزوتوپ‌ها)	تفاوت ایزوتوپ‌ها



ایزوتوپ‌های هیدروژن

عنصر هیدروژن دارای ۷ ایزوتوپ است که چند ویژگی آن‌ها به شرح جدول زیر می‌باشد.

نماد ایزوتوپ ویژگی ایزوتوپ	^1H	^2H	^3H	^4H	^5H	^6H	^7H
نیم‌عمر	پایدار	پایدار	۱۲/۳۲ سال	1.4×10^{-22} ثانیه	9.1×10^{-22} ثانیه	2.9×10^{-22} ثانیه	2.3×10^{-22} ثانیه
درصد فراوانی در طبیعت	۹۹/۹۸۸۵	۰/۰۱۱۴	ناچیز	۰ (ساختگی)	۰ (ساختگی)	۰ (ساختگی)	۰ (ساختگی)

با توجه به جدول فوق که مربوط به صفحه ۶ کتاب درسی است، پرسش‌هایی که ممکن است در مورد ایزوتوپ‌های هیدروژن مطرح شوند و نیز پاسخ مربوط به آن‌ها را می‌توان به صورت جدول زیر بیان نمود. از من می‌شنوید، فوب این پرسش و پاسخ‌ها را یاد بگیرد.

شماره‌ی پرسش	پرسش	پاسخ
۱	یک نمونه‌ی طبیعی از عنصر هیدروژن، مخلوطی از چند ایزوتوپ است؟	سه ایزوتوپ (^1H ، ^2H و ^3H)
۲	پایدارترین ایزوتوپ هیدروژن چیست؟	^1H
۳	ترتیب پایداری ایزوتوپ‌های هیدروژن چگونه است؟	ترتیب پایداری ایزوتوپ‌های هیدروژن: $^1\text{H} > ^2\text{H} > ^3\text{H}$ مواظب این باشید!
۴	عنصر هیدروژن چند ایزوتوپ طبیعی دارد؟	سه ایزوتوپ (^1H ، ^2H ، ^3H)
۵	ترتیب درصد فراوانی ایزوتوپ‌های هیدروژن در طبیعت چگونه است؟	ترتیب درصد فراوانی ایزوتوپ‌های هیدروژن: $^1\text{H} \gg ^2\text{H} > ^3\text{H}$ ناچیز
۶	عنصر هیدروژن چند ایزوتوپ ساختگی دارد؟	چهار ایزوتوپ (^4H ، ^5H ، ^6H و ^7H)
۷	عنصر هیدروژن چند ایزوتوپ پایدار (غیرپرتوزا) دارد؟	دو ایزوتوپ (^1H و ^2H)
۸	عنصر هیدروژن چند رادیوایزوتوپ (ایزوتوپ ناپایدار و پرتوزا) طبیعی دارد؟	یک رادیوایزوتوپ (^3H)
۹	عنصر هیدروژن چند رادیوایزوتوپ (ایزوتوپ ناپایدار و پرتوزا) ساختگی دارد؟	چهار رادیوایزوتوپ (^4H ، ^5H ، ^6H و ^7H)
۱۰	عنصر هیدروژن چند رادیوایزوتوپ (ایزوتوپ ناپایدار و پرتوزا) دارد؟	پنج رادیوایزوتوپ (^3H ، ^4H ، ^5H ، ^6H و ^7H)
۱۱	ترتیب نیم‌عمر رادیوایزوتوپ‌های هیدروژن چگونه است؟	ترتیب نیم‌عمر رادیوایزوتوپ‌های هیدروژن: $^3\text{H} > ^5\text{H} > ^6\text{H} > ^4\text{H} > ^7\text{H}$ مواظب این باشید!
۱۲	پایدارترین رادیوایزوتوپ هیدروژن چیست؟	^3H
۱۳	پایدارترین رادیوایزوتوپ ساختگی هیدروژن چیست؟	^5H



نکته: با توجه به مطالب مطرح شده در اقمی نقاط کتاب درسی (!) شمار ایزوتوپ‌های طبیعی چند عنصر را باید به صورت جدول زیر حفظ کنید.

عنصر	H	Cl	Li	Mg
شمار ایزوتوپ‌های پایدار (غیرپرتوزا)	۲	۲	۲	۳

تکنسیم: در مورد عنصر تکنسیم باید موارد زیر را به خاطر بسپارید:

- ۱- تکنسیم (^{99}Tc) نخستین عنصری بود که در راکتور (واکنشگاه) هسته‌ای ساخته شد.
- ۲- تکنسیم در تصویربرداری پزشکی، به خصوص برای تصویربرداری غده‌ی تیروئید که یک غده‌ی پروانه‌ای شکل است به کار می‌رود. بدین ترتیب که یون یدید (I^-) با یونی که حاوی تکنسیم است، اندازه‌ی مشابهی دارند و غده‌ی تیروئید هنگام جذب یون یدید، این یون را نیز جذب می‌کند. با افزایش مقدار این یون در غده‌ی تیروئید، امکان تصویربرداری فراهم می‌شود.
- از آن جایی که عنصر تکنسیم (^{99}Tc) یک عنصر پرتوزا است، پرتوهای حاصل از آن توسط دستگاه‌های عکس‌برداری قابل ردگیری است و همین موضوع، زمینه را برای تصویربرداری فراهم می‌کند.
- ۳- همه‌ی تکنسیم موجود در جهان به طور مصنوعی و با استفاده از واکنش‌های هسته‌ای ساخته می‌شود. اما فبر فوب این است که ساخت این عنصر خیلی دشوار نیست و می‌توان آن را با صرف هزینه‌ای نسبتاً کم تهیه کرد. به همین دلیل این عنصر قیمت چندانی ندارد و دسترسی به آن در بیمارستان‌ها نسبتاً آسان است.
- ۴- تکنسیم مورد استفاده در تصویربرداری پزشکی، نیم‌عمر کوتاهی (حدود ۶ ساعت) دارد بنابراین نمی‌توان مقادیر زیادی تکنسیم را ساخت و نگه داشت، بلکه هر جا که نیاز باشد آن را با یک مولد هسته‌ای، تولید و مصرف می‌کنند.

کاربرد رادیو ایزوتوپ‌ها:

مستقیم می‌رویم سراغ اصل موضوع! اصل موضوع هم پیچی نیست پز کاربرد رادیو ایزوتوپ‌ها.

- ۱- رادیوایزوتوپ‌ها اگرچه بسیار خطرناک هستند، اما پیشرفت دانش و فناوری، بشر را موفق به مهار و بهره‌گیری از آن‌ها کرده است.
- ۲- امروزه از رادیوایزوتوپ‌ها در پزشکی، کشاورزی و سوخت در نیروگاه‌های اتمی (برای تولید انرژی الکتریکی) استفاده می‌شود.
- ۳- در پزشکی، رادیوایزوتوپ‌ها، هم در مرحله‌ی تشخیص و هم در مرحله‌ی درمان بیماری کاربرد دارند.
- ۴- اساس کاربرد رادیوایزوتوپ‌ها در تصویربرداری پزشکی این است که بسته به ارگانی از بدن که قرار است از آن عکس‌برداری شود، ترکیبی را به بیمار تزریق می‌کنند (گاهی هم به فور او می‌دهند!) که به خوبی توسط ارگان مورد نظر جذب می‌شود. در ترکیب مورد نظر، یکی از اتم‌ها پرتوزا یا اصطلاحاً **نشان‌دار** است. پس از مدتی که رادیو ایزوتوپ مورد استفاده در ارگان مورد نظر (مانند کبد، تیروئید، دستگاه گردش خون و ...) جای گرفت پرتوهای حاصل از آن توسط دستگاه‌های عکس‌برداری قابل ردگیری است و همین موضوع زمینه را برای تصویربرداری فراهم می‌کند.
- ۵- یکی از کاربردهای مهم رادیو ایزوتوپ‌ها، تشخیص توده‌ی سرطانی است. توده‌های سرطانی، یاخته‌هایی هستند که سلول‌های آن‌ها رشد غیرعادی، سریع و خارج از کنترلی دارند. یکی از روش‌های تصویربرداری از توده‌های سرطانی، استفاده از **گلوکز نشان‌دار** (یعنی گلوکز حاوی اتم پرتوزا) است.

زیرا گلوکز از لحاظ متابولیسمی بسیار فعال است و سلول‌های سرطانی هم که سلول‌هایی وحشی (!) و به سرعت در حال رشد هستند به شدت گرسنه‌ی گلوکز و مصرف کننده‌ی آن می‌باشند. بدین ترتیب با تزریق گلوکز نشان‌دار، توده‌ی سرطانی بیش‌تر از سایر ارگان‌های بدن، گلوکز نشان‌دار را جذب نموده و در **دستگاه آشکار ساز پرتو** به صورت درخشان‌تری ظاهر می‌شود. بدین ترتیب توده‌ی سرطانی **محل افتقای فور را لو می‌دهد (!)** و پزشکان می‌توانند عملیات درمانی را آغاز کنند.

۶- **مولد رادیوایزوتوپ تکنسیم**، رادیو ایزوتوپ تکنسیم را که کاربردهای گوناگونی دارد تولید می‌کند.



اورانیم:

در مورد اورانیم باید موارد زیر را بدانید:

- ۱- اورانیم (${}_{92}^{238}\text{U}$) شناخته شده ترین فلز پرتوزا و سنگین ترین عنصری است که به طور طبیعی در زمین وجود دارد. فراموش نکنید که در زمین، ۹۲ عنصر طبیعی وجود دارند که طبعاً سنگین ترین آن‌ها عنصر شماره ۹۲، یعنی **پتاب اورانیم است!**
- ۲- اورانیم ایزوتوپ‌های مختلفی دارد اما تنها یکی از ایزوتوپ‌های آن، یعنی اورانیم ۲۳۵ (${}_{92}^{235}\text{U}$) این قابلیت را دارد که در راکتورهای اتمی به عنوان سوخت و در سلاح‌های اتمی به عنوان ماده‌ی منفجره استفاده شود.
- ۳- در یک مخلوط طبیعی از ایزوتوپ‌های اورانیم، تنها کم‌تر از ۷٪ ایزوتوپ‌ها را اورانیم (${}_{92}^{235}\text{U}$) تشکیل می‌دهد. بنابراین لازم است درصد اورانیم ۲۳۵ را در مخلوط ایزوتوپ‌های آن افزایش دهند تا مخلوط حاصل در راکتورهای اتمی قابل استفاده باشد.
- ۴- به فرایند بالا بردن درصد اورانیم ۲۳۵ در مخلوط ایزوتوپ‌های اورانیم، «**غنی‌سازی اورانیم**» یا به عبارت کلی‌تر، «**غنی‌سازی ایزوتوپی**» می‌گویند. فرایندی که یکی از مراحل مهم چرخه‌ی تولید سوخت هسته‌ای است.
- ۵- در صفحه‌ی ۸ کتاب درسی آمده است که پس از انجام غنی‌سازی ایزوتوپی، نام ایران در فهرست ده‌گانه‌ی کشورهای هسته‌ای جهان ثبت شده است و با گسترش این صنعت می‌توان بخشی از انرژی الکتریکی مورد نیاز کشور را تأمین نمود.
- ۶- یکی از چالش‌های صنایع هسته‌ای، پسماندهای راکتورهای اتمی است، زیرا این پسماندها هنوز خاصیت پرتوزایی داشته و خطرناک هستند.
- ۷- طبق شکل (۶) در صفحه‌ی ۸ کتاب درسی، رادیوایزوتوپ‌های **تکنسیم** و **فسفر** از جمله رادیو ایزوتوپ‌هایی هستند که ایران قادر به ساخت آن‌ها است.



کام سوم - حل تمرین ۸

مبحثی که پشت سر گذاشتیم بیش‌تر جنبه‌ی حفظی داشت. بنابراین حل تمرین در این قسمت بیش‌تر حکم این را دارد که خود را چک کنید و ببینید که مطالب حفظی را خوب به خاطر سپرده‌اید یا خیر.

مثال ۱: در کدام گزینه شمار پروتون‌های گونه‌ی سمت راست، با شمار الکترون‌های گونه‌ی سمت چپ برابر است؟
(اتم‌ها را به صورت ${}^A_Z\text{X}$ ، ${}^A_Z\text{C}$ ، ${}^A_Z\text{N}$ ، ${}^A_Z\text{O}$ و ${}^A_Z\text{F}$ در نظر بگیرید.)



جواب: شمار پروتون‌ها و نیز الکترون‌ها در گونه‌های CH_4 و NH_4^+ به صورت زیر تعیین می‌شود:

$$\text{NH}_4^+ \begin{cases} \text{شمار پروتون‌ها} = 7 + 4(1) = 11 \\ \text{شمار الکترون‌ها} = 11 - 1 = 10 \end{cases}$$

$$\text{CH}_4 \begin{cases} \text{شمار پروتون‌ها} = 6 + 4(1) = 10 \\ \text{شمار الکترون‌ها} = 10 \end{cases}$$

همان‌طور که مشاهده می‌شود. شمار پروتون‌های CH_4 با شمار الکترون‌های NH_4^+ برابر است، پس گزینه‌ی (۴) درست است.



سوال ۲: چنانچه در یون X^{2-} مجموع شمار الکترون‌ها و شمار نوترون‌ها برابر ۱۳۰ و تفاوت شمار الکترون‌ها با

شمار نوترون‌ها برابر ۲۲ باشد، عدد اتمی عنصر X کدام است؟

(۱) ۴۸ (۲) ۵۲ (۳) ۵۴ (۴) ۵۶

جواب: یا توجه به این که مجموع شمار الکترون‌ها (e) و شمار نوترون‌ها (n) برابر ۱۳۰ است می‌توان نوشت: $n + e = 130$

از طرفی، چون یون مورد نظر دارای بار الکتریکی $2-$ است، شمار الکترون‌های آن (e) به اندازه‌ی دو واحد از شمار پروتون‌های آن (p) بزرگ‌تر است. یعنی: $e = p + 2$

حال رابطه‌ی اول را می‌توان به صورت روبه‌رو نوشت:

از سوی دیگر، چون تفاوت شمار الکترون‌ها با شمار نوترون‌ها برابر ۲۲ است می‌توان نوشت: $n - e = 22$

چنانچه در این رابطه بخواهیم از e فاصله شویم (!) می‌توان نوشت:

$$\begin{cases} n + p = 128 \\ n - p = 24 \end{cases}$$

فَب، حالا چه داریم؟ ... آفرین، دو معادله و دو مجهول دیگر افتادیم توی بزرگراه! گاز بره که رفتیم!

جمع: $2n = 152 \Rightarrow n = 76$

$n + p = 128 \Rightarrow 76 + p = 128 \Rightarrow p = 52$

پس عدد اتمی عنصر X برابر ۵۲ است یعنی گزینه‌ی (۲) جواب درست است.

سوال ۳: چند مورد از مطالب زیر درست‌اند؟

آ- همواره در یک نمونه‌ی طبیعی از عنصری معین، اتم‌های سازنده، جرم یکسانی ندارند.

ب - چنانچه نسبت شمار نوترون‌ها به شمار پروتون‌ها در هسته‌ی یک اتم کوچک‌تر از ۱/۵ باشد، آن اتم نمی‌تواند رادیوایزوتوپ باشد.

پ - در رادیوایزوتوپ‌های یک عنصر، با افزایش نسبت شمار نوترون به شمار پروتون، همواره نیم عمر اتم مربوطه، کاهش می‌یابد.

ت - عنصر کلر دارای دو ایزوتوپ طبیعی و پایدار است.

(۱) ۱ (۲) ۲ (۳) ۳ (۴) ۴

جواب: بررسی هر یک از موارد به صورت زیر است.

آ- نادرست است. همان‌طور که در قسمت چکیده و خلاصه‌ی درس اشاره کردیم و در پاراگراف اول صفحه‌ی ۵ کتاب درسی نیز آمده است، اغلب (نه همواره) در یک نمونه‌ی طبیعی از عنصرهای معین، اتم‌های سازنده، جرم یکسانی ندارند. توجه داشته باشید که برخی از عنصرها فاقد ایزوتوپ هستند به همین دلیل عبارت مذکور در مورد بعضی از عنصرها صدق نمی‌کند.

ب - نادرست است. چنانچه نسبت شمار نوترون‌ها به شمار پروتون‌ها در هسته‌ی یک اتم بزرگ‌تر از ۱/۵ باشد آن هسته، ناپایدار است. اما عکس آن صادق نیست! یعنی نباید تصور کنید که اگر نسبت مورد نظر کوچک‌تر از ۱/۵ باشد آن اتم لزوماً پایدار است. برای مثال، همین تکنسیم (^{99}Tc) معروف! شمار نوترون‌ها و پروتون‌های این اتم به ترتیب برابر ۵۶ و ۴۳ است که نسبت آن‌ها برابر ۱/۳

($\frac{56}{43} = 1/3$) است که کوچک‌تر از ۱/۵ می‌باشد. با این حال، اتم ^{99}Tc دارای هسته‌ای ناپایدار و پرتوزا است.

پ - نادرست است. یک مورد نقض معروف، بیش‌تر بودن نیم‌عمر ^3H (و یا ^6H) نسبت به نیم‌عمر ^4H است.

ت - درست است. قرار بود حفظ باشید که عنصرهای هیدروژن، لیتیم و کلر دارای دو ایزوتوپ طبیعی پایدار، اما عنصر منیزیم دارای سه ایزوتوپ طبیعی پایدار است.